

نقد و توجیه رویه قضایی

یک رای دو نقد و تحلیل

احیای اصل ۲۲ قانون اساسی

عبدالفتاح سلطانی
وکیل دادگستری

asdadbanan@gmail.com



نقد اول

بخش نخست- شرح مواقع

در تاریخ ... در شهرستان ساری تظاهراتی علیه گرانی شکل می‌گیرد. در این تظاهرات ده‌ها نفر که به دلایل مختلف در محل حضور داشته یا در اماکن دیگر مورد سوءظن مأمورین قرار گرفتند، دستگیر شده‌اند که طبق تصمیمات ذیل مقام قضایی برای برخی از متهمین برای پاره‌ای از اتهامات قرار منع بپیکرد و برای برخی دیگر قرار جلب به دادرسی صادر نموده است:

«...اتهام آقای ح.ر. و ا.ب. مبنی بر اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات و همچنین تشکیل گروه و جمعیت به قصد برهم زدن نظم عمومی و اتهام ت.ف. مبنی بر اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات و همچنین ترمرد درمقابل مأمور دولت حین انجام وظیفه نظر به گزارش مرجع انتظامی و ... تحقیقات انجام شده از متهمین، فیلم‌های به دست آمده در صحنه

تظاهرات، اظهارات مقرون به واقع متهمین اتهام به نامبردگان محرز است قرار جلب به دادرسی صادر می‌گردد. درخصوص اتهام س.ر. و م.ت. و ه.ج. مبنی بر اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات و اتهام کلیه متهمین مبنی بر فعالیت تبلیغی علیه نظام به لحاظ فقد دلایل بر ارتکاب جرم به استناد ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر می‌گردد. - دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ساری.»

پس از صدور کیفرخواست پرونده متهمینی که به دادرسی جلب شدند به دادگاه کیفری ۲ دادسرای عمومی انقلاب شهرستان ساری ارجاع شد و دادگاه مذکور مبادرت به صدور حکم نمود که قسمتی از متن حکم صادره عیناً نقل می‌گردد:

«...درخصوص اتهام ت.ف. آزاد با وثیقه دایر بر اخلال در نظم عمومی برای متهم ردیف ۳۴ اتهام شرکت در تظاهرات مورخ ... و متهم ردیف ۳۵ دایر

قبول اخلال در نظم رفت و آمد وسیله‌های نقلیه می‌باشد و اگر اخلاالی ایجاد می‌شود، جرم نمی‌باشد و نیروی انتظامی باید برای برطرف کردن اخلال وسیله‌ها را به مسیرهای دیگری هدایت و نسبت به امنیت راهپیمایی اقدام نماید.

ثالثاً، شعارهایی که در تظاهرات می‌دادند علیه گرانی بود که واقعاً گرانی هم سرسام‌آور برای ملت ایجاد شد و یکی از راه‌ها اعتراض مردم با راهپیمایی می‌باشد و بنابراین این کار آن‌ها محل به مبانی اسلام و با سلاح هم نبود. تنها اخلاالی که می‌شود در نظم عمومی تصور کرد اخلال در رفت و آمد وسیله نقلیه می‌باشد و باتوجه به زمان راهپیمایی که محدوده آن در خیابان ... از میدان ... تا ... و از ... به ... شهرستان ساری. بود که مغازه‌ها و مطب‌های این خیابان در روز حادثه که عصر روز جمعه بود به اتفاق تعطیل است و لذا رفت و آمدهای وسیله نقلیه در آن ساعات هم خیلی کم بوده است و اخلال در نظم هم منتفی می‌باشد و به استناد ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به برائت متهمین فوق صادر و اعلام می‌گردد. این رأی حضوری و پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان مازندران می‌باشد...»

❖ بخش دوم- نقد و بررسی قرارهای صادره

دادسرا در مورد اتهامات تعدادی از متهمین دایر بر: ۱. اخلال در نظم موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی، ۲. تشکیل گروه و جمعیت به قصد برهم زدن نظم عمومی موضوع ماده ۴۹۸ قانون مذکور و ۳. ترمرد در مقابل مأمورین دولت موضوع ماده ۶۰۷ قانون سابق الذکر مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی نموده است که واجد اشکالات و ایرادات مشروحه ذیل می‌باشد:

بر اخلال در نظم عمومی با شرکت در راهپیمایی و مساعدت در فرار دادن متهم از دست مأمورین و متهمین ردیف ۳۶، ۳۷ و ۳۸ دایر بر اخلال در نظم عمومی از آن طریق و ترمرد مقابل مأمورین برای متهم ۳۸ و تشکیل گروه و جمعیت به قصد برهم زدن نظم عمومی برای متهمین ۳۶ و ۳۷ موضوع کیفرخواست شماره ... دادسراس عمومی و انقلاب شهرستان ساری. دادگاه:

اولاً، باتوجه به انکار اکثر متهمین به عنوان شرکت در تظاهرات که بعضی گفته‌اند: ما به عنوان تماشاچی در حال عبور در خیابان محل تجمع بوده‌ایم یا در حال فیلم گرفتن بوده‌ایم و به محل تجمع رسیده‌ایم دیده‌ایم شعار علیه گرانی می‌دهند ما هم شعار داده‌ایم و بعضی هم گفته‌اند ما را در تظاهرات یا محل تجمع دستگیر نکرده‌اند بلکه گفته‌اند: ما را در محل دیگری دستگیر نموده‌اند و متهمینی که اتهام آن‌ها تشکیل جمعیت جهت برگزاری راهپیمایی بوده است منکر این امر هستند و دلیلی هم علیه آن‌ها اقامه نشده و متهمینی که اتهام دیگر آن‌ها ترمرد مقابل مأمورین بوده است گفته‌اند ما را خواسته‌اند یک عده با لباس شخصی ببرند اعتراض کرده‌ایم که مدارک مثبت ضابط بودن و دستور دادستان را نشان دهید و در اثر اعتراض ما را گرفته‌اند و دلیل کافی بر ترمرد آن‌ها اقامه نشده است.

ثانیاً، از نظر اصل ۲۷ قانون اساسی در صورتی که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی بدون سلاح و محل مبانی اسلام نباشد، از حقوق اولیه هر ایرانی اعلام کرد و مشروط هم نمود که ایجاد آن طبق قانون نیاز به هماهنگی با تشکیلات سیاسی و انتظامی و اخذ مجوز آن‌ها است و لذا بدون مجوز با بودن شرایط دیگر هر ایرانی می‌تواند تجمع و تظاهرات و راهپیمایی نماید و لازمه دادن این حق در خیابان‌ها حداقل

گفتار نخست- قرار جلب به دادرسی

بند نخست

تحقق بزه ماده ۶۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به صراحت متن ماده و به گونه ای حصری با سه نوع رفتار امکان بروز دارد: یکم، هیاهو و جنجال؛ دوم، حرکات غیرمتمعارف؛ سوم، تعرض به افراد آن هم مشروط به اینکه این اعمال موجب اخلال در نظم و آسایش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد. در قرار جلب صادره متأسفانه دلیلی بر وقوع یکی از این حالت ها ارائه نشده و حتی ذکر نشده که کدام رفتار متهمین مصداق وقوع بزه این ماده ارزیابی شده است. چراکه اساساً هر تصمیم قضایی اعم از قرار یا حکم باید مستند، مستدل و موجه باشد به ویژه آنکه قانوناً طبق اصل ۲۷ قانون اساسی راهپیمایی یا تظاهرات از حقوق اساسی یک ملت است و شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز فی نفسه نمی تواند فعل مجرمانه تلقی شود.

بند دوم

عنوان دوم اتهامی که وقوع آن از ناحیه متهمین توسط دادسرا محرز اعلام شده، تشکیل گروه و جمعیت به قصد برهم زدن نظم عمومی است! چنین عنوان مجرمانه ای در قانون پیش بینی نشده و در ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور جرم انگاری شده است نه نظم عمومی! و این بزه زمانی قابل تحقق است که جمعیتی بیش از دو نفر تشکیلی ایجاد نمایند و با دلیل احراز گردد که هدف آنان از تشکیل گروه برهم زدن امنیت کشور بوده است! که در رویدادی که پیش آمده هیچ دلیلی برای اثبات وقوع چنین رفتاری از ناحیه متهمین ارائه نشده است.

بند سوم

به صراحت ماده ۶۰۷ قانون تعزیرات تمرد در دو

رفتار قابل بروز است (حمله یا مقاومت). در قرار جلب دادرسی مشخص نشده که:

اولاً، تمرد ادعایی حمله بوده است یا مقاومت؟ ثانیاً، کدام رفتار متهمین مصداق این تمرد تلقی شده است؟

ثالثاً، با چه دلایلی احراز شده که این قبیل رفتارها از ناحیه متهمین صادر شده است؟!

توضیح اینکه در ادامه قرار جلب به دادرسی ذکر عبارات کلی و «تحقیقات انجام شده» یا «فیلم های به دست آمده» یا «اظهارات مقرون به واقع متهمین» نمی تواند به عنوان استدلال از ناحیه قاضی صادرکننده قرار به حساب آید. به ویژه آنکه امروزه هدف اولیه هر مجازاتی اصلاح مجرم است که در این صورت مجرم باید بداند کدام رفتار وی مصداق فعل مجرمانه تلقی شده است که از این پس چنین رفتاری را تکرار ننماید.

گفتار دوم- قرار منع پیگرد

دادسرای صادرکننده قرار نسبت به اتهام سه نفر از متهمین دایر بر اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات و اتهام کلیه متهمین مبنی بر فعالیت تبلیغی علیه نظام به دلیل فقدان دلیل به صدور قرار منع پیگرد اقدام نموده است. همان طور که ملاحظه می شود مستند صدور این قرار طبق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ است که به صراحت مقرر داشته که در صورتی که عمل واقع شده جرم نباشد و یا دلایل کافی برای انتساب بزه به متهم وجود نداشته باشد قاضی مربوط باید قرار منع پیگرد صادر نماید، ولی متأسفانه حتی در این قرار اخلال در نظم از طریق شرکت در تظاهرات فعل مجرمانه تلقی شده است! نهایتاً به سبب فقدان دلیل انتساب بزه به متهمین قرار منع پیگرد صادر گردیده که قانوناً چنین اقدامی، حتی به فرض وقوع، به حکم قانون اساسی از حقوق

مردم و فاقد وصف مجرمانه است.

◀ بخش سوم- خلاصه استدلال دادگاه

گفتار نخست

درباره اتهام اخلاص در نظم عمومی از طریق شرکت در راهپیمایی دادگاه صادرکننده رأی با این استدلال که:

اولاً، راهپیمایی غیرمسلحانه و آرام طبق اصل ۲۷ قانون اساسی از حقوق بنیادین هر شهروند است؛ ثانیاً، پذیرفتن حق راهپیمایی برای مردم طبق قانون مقدمه‌ای لازم دارد و آن احتمال اخلاص در نظم مانند ایجاد خللی در رفت و آمد خودروها یا عابران است که نیروی انتظامی موظف است برای جلوگیری از ایجاد ترافیک و بروز خلل در عبور و مرور تدابیری بیندیشد؛

ثالثاً، انجام راهپیمایی مسالمت‌آمیز در قانون اساسی مشروط به اخذ مجوز یا هماهنگی با نیروی انتظامی یا هر نیروی دیگر نشده است؛ رابعاً، حتی به فرض اینکه در قانون اساسی حق راهپیمایی مشروط به عدم اخلاص در نظم مطرح می‌گردید، با توجه به تعطیلی جمعه و بسته بودن مغازه‌ها فرض اخلاص در نظم هم منتفی می‌باشد، حکم به برائت متهمین صادر نموده است.

گفتار دوم

درمورد اتهام تمرد در مقابل مأمورین توسط عده‌ای از متهمین مضمون استدلال دادگاه چنین است.

۱. عدم ارائه دلیل کافی بر تمرد متهمین؛

۲. اظهارات متهمین از جمله اینکه یک عده لباس شخصی قصد دستگیری آن‌ها را داشته‌اند و متهمین از آن‌ها مدارک مثبت ضابط بودن و ارائه دستور دادستان را مطالبه کرده‌اند و در این مطالبه و اعتراض مأمورین آنان را دستگیر کرده و این عمل را تمرد نامیده‌اند.

بنابراین عمل واقع شده مجرمانه تلقی نشده و رأی بر برائت متهمین صادر شده است.

گفتار سوم

◀ صرف نظر از

پاره‌ای ایراد که

در طرز نگارش

دادنامه وجود دارد یا

عدم تفکیک اتهامات

و استدلال‌ها در مورد

رد یا قبول آن‌ها و

عدم ذکر اینکه صرف

گزارش مأمورین

نمی‌تواند دلیل وقوع

بزه تلقی گردد،

حکم صادره در

مجموع مثبت ارزیابی

می‌شود و وظیفه

جامعه و کالت ایجاب

می‌کند که از این قبیل

قضات قانونمند،

دقیق و بی‌طرف

به هر نحو ممکن تقدیر

به عمل آورد

دادگاه بدوی در رابطه با

اتهام تشکیل گروه

و جمعیت به قصد

برهم زدن نظم عمومی

با این استدلال که:

۱. با توجه به اظهارات

متهمین که بعضی

تماشاچی یا در حال عبور

از خیابان بوده که

دستگیر شده‌اند و

برخی در حال فیلم گرفتن

بوده و برخی تصادفاً

در حال عبور از محل

بوده که با راهپیمایی با

شعار علیه گرانی مواجه

شده‌اند و آن‌ها نیز

همراه با جمعیت حاضر

در صحنه شعار علیه

گرانی داده‌اند و عده‌ای

دیگر را در محلی غیر از

تظاهرات دستگیر کرده‌اند.

۲. و با عنایت به انکار متهمین در مورد اتهام اخیرالذکر حکم برائت متهمین را صادر نموده‌اند.

◀ بخش چهارم- نقد و بررسی رأی صادره

گفتار نخست

به نظر می‌رسد که دادگاه برای استدلال در رد اتهام اخلاص در نظم موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) لازم بود که گوشه چشمی به متن ماده می‌انداخت. با این توضیح که از عبارات

مندرج در ماده مذکور چنین برمی آید که بزه اخلال در نظم مطرح شده در ماده مذکور از طریق رفتاری غیرمتعارف مانند عربده کشی و قمه کشی و امثال آن قابل تحقق است، زیرا در ماده قانونی تصریح شده است که این قبیل افعال مجرمانه باید موجب اخلال در نظم، آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد که معمولاً راهپیمایی‌های مسالمت آمیز نه موجب سلب آسایش و آرامش عموم مردم می گردد و نه مردم را از کسب و کار بازمی دارد، به ویژه آنکه اگر به عنوان یکی از حقوق اجتماعی در قانون اساسی برای احاد جامعه در نظر گرفته شده باشد.

گفتار دوم

درمورد اتهام تمرد موضوع ماده ۶۰۷ قانون تعزیرات به صراحت در ماده قانونی ذکر شده که باید فعل مجرمانه به شکل حمله یا مقاومت آن هم با علم به مأمور بودن طرف و علم به درحین انجام وظیفه بودن وی صورت گیرد، لذا شرط تحقق بزه موضوع این ماده این است که تمرد به صورت حمله یا مقاومت آن هم با علم به دو موضوع فوق صورت گیرد و حال آنکه در قضیه مطروحه نه حمله ای صورت گرفته است و نه مقاومتی، بلکه از مأمورین با لباس شخصی اوراق هویت و کارت مثبت ضابط بودن یا دستور قضایی مطالبه شده است که این اعمال از مصادیق فعل مجرمانه موضوع ماده ۶۰۷ نمی باشند، ولی متأسفانه این استدلال در حکم دادگاه دیده نمی شود.

گفتار سوم

درمورد اتهام سوم، یعنی تشکیل گروه و جمعیت

به قصد برهم زدن نظم عمومی، ذکر این نکات از نظر دادگاه بدوی مغفول مانده است:

۱. قانوناً چنین عنوان مجرمانه ای وجود ندارد و آنچه در ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات جرم تلقی شده است تشکیل جمعیت یا دسته که هدف آن برهم زدن امنیت کشور می باشد، نه برهم زدن نظم عمومی!

۲. تجمعاتی که برای راهپیمایی‌ها تشکیل می گردد عقلاً و قانوناً نمی تواند از مصادیق تشکیل گروه یا جمعیت تلقی گردد. چرا که هرگاه از گروه و جمعیت سخن به میان می آید منظور جمعیت یا گروهی است که سازمان یا تشکیلاتی را برای خود ایجاد نمایند و در راهپیمایی‌ها عمدتاً چنین تشکیلاتی وجود ندارد و با یک فراخوان مردم گردهم می آیند و بعد از راهپیمایی مردم متفرق می شوند و هیچ کدام از شرکت کنندگان در راهپیمایی رابطه تشکیلاتی باهم ندارند و حتی غالباً همدیگر را نمی شناسند.

نتیجه گیری

در پایان، صرف نظر از پاره ای ایراد که در طرز نگارش دادنامه وجود دارد یا عدم تفکیک اتهامات و استدلال‌ها درمورد رد یا قبول آن‌ها و عدم ذکر اینکه صرف گزارش مأمورین نمی تواند دلیل وقوع بزه تلقی گردد، حکم صادره در مجموع مثبت ارزیابی می شود و وظیفه جامعه و کالت ایجاب می کند که از این قبیل قضات قانونمند، دقیق و بی طرف به هر نحو ممکن تقدیر به عمل آورد تا دیگران نیز در پایبندی به قانون تشویق و ترغیب شوند.

دادگاه

اتهام‌ها:

- ۱- مساعدت در فرار متهم
- ۲- اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تظاهرات
- ۳- تمرد نسبت به مأموران حین انجام وظیفه
- ۴- تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن امنیت عمومی

گردشکار:

دادگاه پس از بررسی کیفر خواست و دلائل و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه

۱- در خصوص اتهام خانم ۱- ... ۲- ... و آقای ۳۷ ...- ۳۸ ... دایر به اخلال در نظم عمومی برای متهمین یا تا ۳۴ با شرکت در تظاهرات مورخه ۹۶/۱۰/۰۸ و متهم ردیف ۳۵ دایر به اخلال در نظم عمومی با شرکت در راهپیمایی و مساعدت در فرار دادن متهم از دست مامورین و متهمین ردیف ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ دایر به اخلال در نظم عمومی از آن طریق و تمرد مقابل مامورین برای متهم ۳۸ و تشکیل گروه و جمعیت به قصد برهم زدن نظم عمومی برای متهمین ۳۶ و ۳۷ موضوع کیفرخواست شماره ۹۶/۱۲/۲۰-۹۶/۹۱۲۱ دادسرا عمومی و انقلاب ساری دادگاه اولاً با توجه به انکار اکثر متهمین به عنوان شرکت در تظاهرات که بعضی گفته اند ما به عنوان تماشاچی که در حال عبور در خیابان محل تجمع بوده ایم یا در حال فیلم گرفتن بوده ایم دستگیرمان کرده اند و بعضی هم گفته اند ما به قصد تجمع تظاهرات نرفته ایم بلکه در حال عبور کردن بوده ایم و به محل تجمع رسیده ایم دیده ایم شعار علیه گرانی می دهند ما هم شعار داده ایم و بعضی هم گفته اند ما را در تظاهرات یا محل تجمع دستگیر نکرده اند بلکه گفته اند ما را در محل دیگری دستگیر نموده اند و متهمین که اتهام آنها تشکیل جمعیت جهت برگزاری راهپیمایی بوده است منکر این امر هستند و دلیلی هم علیه اقامه نشده است و متهمین که اتهام دیگر آنها تمرد مقابل مامورین بوده است گفته اند ما را خواسته اند یک وعده با لباس شخصی ببرند اعتراض کرده ایم که مدارک و دستور دادستان را نشان دهید و در اثر اعتراض ما را گرفته اند و دلیلی کافی بر تمرد آنها اقامه نشده است ثانیاً از نظر اصل ۲۷ قانون اساسی در صورتیکه تشکیل اجتماعات و راهپیمایی بدون حمل سلاح و مخل مبانی اسلامی نباشد از حقوق اولیه هر ایرانی اعلام کرد و مشروط هم ننمود که ایجاد آن طبق قانون نیاز به هماهنگی با تشکیلات سیاسی و

انتظامی و اخذ مجوز آنها است و لذا بدون مجوز با بودن شرایط دیگر هر ایرانی می تواند تجمع و تظاهرات و راهپیمائی نماید و لازمه دادن این حق در خیابان ها حداقل قبول اخلال در نظم رفت و آمد وسیله ها نقلیه می باشد و اگر اخلاالی ایجاد می شود جرم نمی باشد و نیروی انتظامی باید برای برطرف کردن اخلال وسیلهها را به مسیرهای دیگر هدایت و نسبت به امنیت راهپیمایی اقدام نماید ثالثاً شعارهایی که در تظاهرات می دادند علیه گرانی بود که واقعا گرانی هم سرسام آور برای ملت ایجاد شد و یکی از راهها اعتراض مردم یا راهپیمائی می باشد و بنابراین این کار آنها محل به مبانی اسلام و با سلاح هم نبود رابعاً تنها اخلاالی که می شود در نظم عمومی تصور کرد اخلال در رفت و آمد وسیله نقلیه می باشد و با توجه به زمان راهپیمائی که محدوده آن در خیابان فرهنگ از میدان شهرداری تا قارن و از قارن به انقلاب ساری بود که مغازه ها و مطب های این خیابان در روز حادثه که عصر روز جمعه بود قریب به اتفاق تعطیل است و لذا رفت و آمدهای وسیله نقلیه در آن ساعات هم خیلی کم بوده است و اخلال در نظم هم منتفی می باشد و به استناد ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری حکم به برائت متهمین فوق صادر و اعلام می گردد این رای حضوری و پس از ابلاغ ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان مازندران می باشد.

رئیس شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو ساری - حمید حسینیان